

## تحلیل عقد حفاظت در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

سید مصطفی سعادت مصطفوی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

محمد مهدی تاتاری\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۱۸

### چکیده

در مقایسه عقد ودیعه با سایر عقود، از لحاظ نظری ماهیت اجاره و ودیعه و تعریف این دو عمل حقوقی در قانون مدنی با هم شباهتی ندارد؛ ولی در عمل، گاه رابطه حقوقی که ایجاد می‌شود، چنان به هر دو عقد ارتباط دارد که به آسانی نمی‌توان ماهیت آن را تشخیص داد؛ برای مثال، شخصی که اوراق بهادار یا اشیای قیمتی خود را در صندوق امانت بانکی می‌نهد، رابطه حقوقی ایجاد شده بین بانک و صاحب سرمایه چیست؟ آیا بانک صندوق امانت را به مشتری اجاره می‌دهد یا اشیای درون آن را به ودیعه می‌پذیرد؟ حقوق دانان فرانسوی، این‌گونه قراردادها را که نیابت برای حفظ مال مقصود اصلی طرفین است، و شرط اجرت همسان با تعهد به نگهداری در زمره تعهدات اصلی طرفین قرار دارد، قرارداد ویژه‌ای به نام «عقد حفاظت» نامیده‌اند. اکنون، مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شود، این است که ماهیت «عقد حفاظت» چیست؟ آیا عقد حفاظت، به صورت عقد اجاره واقع می‌شود و معوض است و تعهد به نگهداری، جنبه تبعی این اجاره را دارد، یا اینکه باید آن را ودیعه با شرط عوض برشمرد؟ این مقاله بر آن است تا پس از بررسی ماهیت صندوق امانت بانک‌ها، اثبات کند که قرارداد حفاظت همان عقد اجاره، با شرط ضمنی اجاره مکانی امن و مطمئن است.

### واژگان کلیدی

عقد حفاظت، تعهد به حفاظت، حق حفاظت، عقد اجاره، عقد ودیعه، شرط عوض

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع) M\_SM\_51@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) mahditatary@gmail.com

## مقدمه

ودیعه سنتی ویژگی دوستانه داشته و پذیرش ودیعه بر پایه نیکوکاری بوده است. خدمتی که امین نسبت به نگهداری از مال انجام می‌دهد، دوستانه و به‌منظور احسان است و در برابر عوضی قرار نمی‌گیرد. اما با گذشت زمان و به‌دلیل نیازهای اقتصادی، اراده طرفین، عقد ودیعه را که در اصل رایگان بوده، به یک قرارداد معوض تبدیل کرده است. نظر برتر مؤلفان حقوق مدنی فرانسه این است که شرط اجرت برای سپرده‌گیر، ماهیت ودیعه را دگرگون نمی‌سازد (Mazeaud, 1995, T. 3, N. 1493). بنابراین، چنین قراردادی را همچنان باید ودیعه شمرد. رویه قضایی فرانسه نیز رایگان بودن را ویژگی اصلی برای ودیعه نشمرده و دادگاه‌ها وجود شرط عوض را مانعی برای توصیف قرارداد به‌عنوان ودیعه ندانسته‌اند، ولی بر ویژگی طبیعت منقول شیء سپرده شده، تعهد نگهداری و تعهد پس دادن تأکید کرده‌اند.<sup>۱</sup> باین‌همه، شرط عوض با خدمت مربوط به نگهداری رابطه حقوقی پیدا نمی‌کند، در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد در نمی‌آید و جنبه فرعی دارد. در واقع، فرعی بودن تعهد به دادن عوض، مانع از این است که اجرت نیز هم‌سنگ تعهد به نگهداری مال شود و به‌عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر، موضوع قصد مشترک طرفین قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۱۶ و ۲۶).

کم‌کم قراردادهایی ظهور پیدا کرد که با ریشه داشتن در عقد ودیعه، از دو جهت با عقد ودیعه تفاوت داشت؛ از طرفی، شرط اجرت در این‌گونه قراردادها با تعهد به حفاظت از اموال سپرده‌گذار پیوند خورده است، به‌طوری‌که مالک موظف است در برابر خدمت سپرده‌گیر به او اجرت بپردازد. از طرف دیگر، عقد ودیعه به یک قرارداد حرفه‌ای، و نه یک عقد ودیعه ساده، تبدیل شده است؛ یعنی نگهداری و محافظت به‌عنوان حرفه و تخصص سپرده‌گیر شناخته می‌شود، در نتیجه، مالک اموال خود را به شخصی می‌سپارد که به تخصص و کارایی او اعتماد کامل دارد؛ مانند صندوق امانت بانک نسبت به نگهداری از اموال مشتری که در آن می‌گذارد یا پارکینگ‌های حرفه‌ای وسایل نقلیه، نسبت به ماشین‌هایی که در آن گذاشته می‌شود. بنابراین ودیعه‌ای که ویژگی رایگان بودن خود را حفظ کرده است، از این دسته از قراردادها خارج می‌شود. همچنین ودیعه‌ای که ویژگی سنتی داشته و تنها در نگهداری معمولی از اموال مالک

خلاصه می‌شود، در این دسته از قراردادهای راه ندارد. ویژگی اصلی این دسته از قراردادهای در دو مطلب خلاصه می‌شود:

۱. از سویی، معوض بودن ویژگی اصلی این دسته از قراردادهاست؛ به طوری که شرط اجرت، هم‌سنگ تعهد به حفاظت و نگهداری از مال است و در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد درمی‌آید. ودیعه‌ای که طبیعت رایگان بودن خود را از دست داده و به صورت معوض درآمده است؛ مانند انبارهای عمومی که با هدف قبول امانت و نگهداری مواد اولیه در برابر خدماتی که به صاحبان کالا می‌دهند، صاحبان کالا متعهد به پرداخت هزینه انبارداری هستند.<sup>۲</sup>

۲. از سوی دیگر، نیازهای اقتصادی این قرارداد را به سوی حرفه‌ای شدن کشیده و سپرده‌گیر را در برابر دریافت اجرت متعهد به حفاظت و نگهداری ساخته است؛ در نتیجه، عقد ودیعه به یک قرارداد کاملاً حرفه‌ای که «تعهد به حفاظت در برابر عوض» ماهیت اصلی این قرارداد است، تبدیل شده است؛ به دلیل همین ویژگی‌ها پاره‌ای از نویسندگان حقوقی، قراردادهای مربوط به صندوق امانت، سپرده‌های بانکی، نگهداری اتومبیل در گاراژ، انبارهای گمرکی و ایداع اشیاء در مهمانسراها را، قرارداد ویژه‌ای به نام «عقد حفاظت»<sup>۳</sup> نامیده‌اند (آندره تنک، ۱۹۴۱؛<sup>۴</sup> به نقل از: السنهوری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۸ و کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴)، اما برخی دیگر از حقوق دانان معتقدند این نام‌گذاری تکلیف قواعد حاکم بر قرارداد را معین نمی‌کند (Mazeaud, 1995, T. 3, N. 1507. Ripert) (et Boulanger, 1956, T. 3, N. 2285).

اکنون مهم‌ترین سؤال مطرح این است که اساساً ماهیت عقد حفاظت چیست؟ آیا در حقوق موضوعه و رویه قضایی، قراردادی تحت عنوان عقد حفاظت وجود دارد؟ در این صورت، آیا این قرارداد ماهیت بسیط داشته و تنها قواعد یکی از دو عقد ودیعه و اجاره بر این قرارداد حاکم است؛ یا اینکه ماهیت مرکب دارد و قواعد هر یک از دو عقد ودیعه و اجاره بر این قرارداد حکومت می‌کند؟ سرانجام، باید دید در تعیین قواعد حاکم بر این قرارداد، به کدام یک از دو چهره عقد ارتباط بیشتری پیدا می‌کند، ودیعه، اجاره یا هر دو؟

برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، ماهیت صندوق امانت بانک‌ها بررسی و مسئله این‌گونه مطرح می‌شود که شخص با یکی از بانک‌ها توافق می‌کند که اوراق بهادار، اسناد و اشیای قیمتی خود را در صندوق امانت بانک بگذارد تا از دستبرد، آتش‌سوزی و سایر حوادث در امان بماند. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که رابطه حقوقی را که بین بانک و صاحب سرمایه برقرار می‌شود، چگونه می‌توان تعبیر کرد؟ آیا بانک به‌عنوان موجر صندوق امانت را به مشتری اجاره داده و در مقابل تملیک منفعت از مستأجر اجرت می‌گیرد؟ یا اینکه بانک اشیاء درون صندوق را به‌عنوان امانت از مالک به ودیعه می‌پذیرد (السنه‌وری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۰)؟

#### ۱. قرارداد صندوق امانت

قرارداد صندوق امانت زمانی شکل می‌گیرد که مطابق آن، بانک صندوقی را در برابر دریافت عوض در اختیار مشتری قرار می‌دهد تا مشتری اشیاء، اسناد و اموال قیمتی خود را در آن به امانت گذارد. در این‌گونه موارد، مسئولیت بانک تا حد محافظت متعارف از صندوق‌های اجاره‌ای و جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به آن‌هاست و بانک هیچ‌گونه مسئولیتی راجع به محتویات صندوق‌ها و حوادثی که مبنی بر تعدی و تفریط بانک نباشد، بر عهده نمی‌گیرد. در عین حال، چون اشخاص اوراق بهادار، اسناد و اشیای قیمتی خود را به بانک ودیعه می‌سپارند، انتظار دارند تا بانک‌ها نیز در حد مطلوب از آن‌ها مراقبت و نگهداری نمایند. در واقع، مشتریان به علت اطمینان‌خاطری که به این‌گونه مؤسسات دارند، حاضر می‌شوند تمام سرمایه خود را به آن‌ها بسپارند. در عوض، مشتری نیز می‌تواند در صندوق خود هرگونه اشیاء و اموالی که مایل باشد، بگذارد. در هنگام واگذاری صندوق‌های اجاره‌ای، یک یا دو کلید به اجاره‌کننده صندوق تحویل داده می‌شود.

## ۱-۱. ماهیت قرارداد صندوق امانت

### ۱-۱-۱. طرح بحث

درباره ماهیت و احکام صندوق امانت، اختلاف و تردید نمودارتر از سایر قراردادهای حفاظت مانند قرارداد پارکینگ و قرارداد انبارهای گمرگی است؛ زیرا از سویی، این نکته را نمی‌توان انکار کرد که در اجاره صندوق امانت، هدف اصلی طرفین نگهداری از اموالی است که در آن نهاده می‌شود و بانک حفاظت از اشیاء را بر عهده می‌گیرد. در حقیقت، مشتریان بانک به علت اطمینان‌خاطری که نسبت به امنیت این‌گونه صندوق‌ها دارند، اموال خود را در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند؛ چنان‌که باز و بسته نمودن قفل صندوق نیز تنها توسط متصدی صندوق به همراه شخص مشتری امکان‌پذیر است. مبلغ اجاره‌بهایی نیز که به‌عنوان اجاره صندوق توسط مشتری پرداخت می‌گردد، چندان ناچیز است که تصور اینکه بانک هدفی غیر از حفاظت از اموال مشتری را بر عهده دارد، به‌کلی از بین می‌برد. از سوی دیگر، عقد به‌صورت اجاره، اما نه اجاره ساده بلکه اجاره مکانی امن و مطمئن برای حفاظت از اموال مشتری واقع می‌شود. بانک از محتوای صندوق آگاه نیست و مستأجر، هرگاه بخواهد می‌تواند اموالی را بردارد یا چیزی بر آن بیفزاید و کلید صندوق را در اختیار دارد.

به جهت وجود همین قواعد پیچیده درباره ماهیت این قرارداد و قواعد حاکم بر آن، بین رویه دادگاه‌های فرانسه و حقوق‌دانان این کشور، اختلاف نظر جدی وجود دارد. درباره ماهیت قرارداد صندوق امانت و قواعد حاکم بر آن در حقوق فرانسه، سه نظر گوناگون داده شده است:

### ۱-۱-۱-۱. اجاره بودن قرارداد صندوق امانت

بعضی گفته‌اند عنصر اصلی ودیعه و جوهر و مقتضای عقد در این خلاصه می‌شود که مالی به‌منظور «نگهداری» به دیگری سپرده شود و گیرنده آن را حفظ کند و با نخستین مطالبه به صاحبش برگرداند؛ درحالی‌که محتوای صندوق امانت به بانک سپرده نمی‌شود، در اختیار مشتری است و او می‌تواند اشیای درون آن را به میل خود و بدون اینکه به آگاهی بانک برساند، کم و زیاد کند. پس نمی‌توان بانک را متعهد به حفاظت و

رد مالی دانست که در اختیار ندارد و از چند و چون آن بی‌اطلاع می‌ماند. به همین جهت، عقدی را که واقع شده است، باید اجاره صندوق امانت تلقی کرد و قواعد این عقد را حاکم بر روابط طرفین شمرد ( Mazeaud, 1995, T. 3, N. 1507 Planiol et Ripert, ) 1954, T. 11, N. 1171. رأی مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۶ (دیوان عالی کشور)؛ به نقل از: نشریه دالوز، ۱۹۴۶، ص ۳۶۵ (با یادداشت آندره تنک)؛ به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۳؛ السنهوری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶). بیشتر حقوق‌دانان فرانسه و بیشتر محاکم این کشور اجاره بودن قرارداد صندوق امانت را قبول و تأیید کرده‌اند (دموگ، ۱۹۰۳، ص ۳۸۱. نشریه دالوز، ۱۹۰۲، ج ۲، ص ۲۵. نشریه سیری، ۱۹۰۵، ج ۲، ص ۵۹؛ به نقل از: السنهوری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶. رأی مورخ ۱۷ مارس ۱۹۰۱ (دادگاه تجدیدنظر مونپولیه)؛ به نقل از: نشریه دالوز، ۱۹۰۲، ج ۲، ص ۲۵. رأی مورخ ۱۲ فوریه ۱۹۰۳ (دادگاه تجدیدنظر پاریس)؛ به نقل از: نشریه دالوز، ۱۹۰۵، ج ۲، ص ۲۵۲؛ به نقل از: السنهوری، بی‌تا، ص ۳۶؛ السنهوری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶).

#### ۱-۱-۱-۱-۱. رد نظریه عقد اجاره

مخالفتان این نظریه سعی کرده‌اند با دو اشکال «اجاره بودن» قرارداد صندوق امانت را نپذیرند. به همین منظور در رد استدلال موافقان عقد اجاره، یک اشکال ماهیتی و یک اشکال شکلی مطرح کرده‌اند:

#### ۱-۱-۱-۱-۱-۱. اشکال ماهیتی

بانک طبق قراردادی که با مشتری دارد تعهد می‌کند از صندوق و اموال درون آن محافظت کند؛ زیرا از طرفی، هدف اصلی از انعقاد قرارداد صندوق امانت چیزی جز حفاظت و نگهداری از اموال مشتری نیست. بانک نیز به موجب قرارداد بینابین، مسئولیت حفاظت از آن را قبول می‌نماید. از طرف دیگر، عنصر اصلی عقد ودیعه این است که مالی به امین سپرده شود تا عهده‌دار نگهداری آن باشد؛ بنابراین، حفاظت از صندوق امانت چیزی جز مفاد عقد ودیعه نیست. در واقع، مشتریان بانک به علت اطمینان‌خاطری که نسبت به امنیت این‌گونه صندوق‌ها دارند، اموال خود را به بانک‌ها

می‌سپارند و گرنه مشتریان هرگز حاضر نمی‌شوند اموال خود را با تنظیم یک قراردادی که اصلاً حرفه‌ای نیست و بانک حفاظت از آن را کاملاً بر عهده نمی‌گیرد، تسلیم بانک نمایند. در نتیجه، مفاد قرارداد حفاظت چیزی جز مفاد عقد ودیعه نیست (السنهوری، بی‌تا، ص ۳۶؛ ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶). موافقان «اجاره بودن» قرارداد صندوق امانت در جواب این عده می‌گویند: اینکه می‌گویید بانک طبق قراردادی که با مشتری دارد، باید از صندوق و اشیای درون آن محافظت کند، این تعهدی است که می‌توان آن را به موجب عقد اجاره نیز بر بانک تحمیل نمود. در واقع، اجاره نبودن قرارداد صندوق امانت سبب نمی‌شود تا نتوان در عقدی غیر از ودیعه، بر یکی از طرفین قرارداد (بانک) شرط نمود تا ضمن عقدی لازم موظف باشد تا از اموال مشتری حفاظت و نگهداری نماید و آن را تعهد اصلی وی شمرد. در صورتی که الزام و تعهد بانک به حفاظت از اشیاء و اموال مشتری در ضمن عقد لازمی مانند اجاره مؤثرتر و اجرایی‌تر از عقود است که هرگاه طرفین اراده کنند، می‌توانند آن را برهم زنند؛ زیرا برهم زدن عقد جایز به هیچ سبب خاصی نیاز ندارد و هریک از طرفین می‌تواند در هر زمان که بخواهد آن را فسخ کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵-ب، ج ۱، ص ۴۰).

#### ۱-۱-۱-۱-۱-۲. اشکال شکلی

بانک در هنگام واگذاری صندوق‌های اجاره‌ای، طبق قراردادی که با مشتری بانک دارد، یک یا دو کلید به اجاره‌کننده صندوق تحویل می‌دهد، که نه مشتری و نه بانک نمی‌توانند درب صندوق را به‌تنهایی و بدون اینکه طرف دیگر حاضر باشد، باز نمایند. پس چگونه می‌توان قرارداد منعقدشده را اجاره دانست، درحالی‌که مشتری نمی‌تواند به‌عنوان مستأجر صندوق، از منافع عین مستأجره مستقلاً و به‌تنهایی استفاده نماید. از طرفی، هدف از عقد اجاره این است که موجر (بانک) منفعت مورد اجاره یا به عبارت دقیق‌تر، حق مالکیتی را که بر منافع دارد، در برابر عوض به مستأجر (مشتری) تملیک و تسلیم نماید. این تملیک و تسلیم زمانی کامل می‌شود که مستأجر بتواند از منافع عین مستأجره استفاده نماید. از طرف دیگر، هدف اصلی از انعقاد قرارداد صندوق امانت، چیزی جز حفاظت و نگهداری از اموال مشتری بانک نیست. پس قرارداد مذکور

شباهت بیشتری با عقد ودیعه دارد؛ زیرا در موردی که به قرائن معلوم شود که «تعهد به نگهداری» بنای طرفین بوده است یا عرف از عمل سپردن، مفهوم ایداع و امانت و التزام بر حفاظت را دریابد، رابطه حقوقی را باید تابع احکام «ودیعه» شمرد. موافقان در جواب ایشان می‌گویند: اینکه شما می‌گویید همیشه یکی از کلیدها نزد بانک می‌ماند و نمی‌توان به‌تنهایی درب صندوق را باز کرد، در نتیجه مشتری نمی‌تواند به‌طور کامل از منافع عین مستأجره استفاده کند، این مسئله فرع بر تعهد بانک به نگهداری و محافظت از اشیاء درون صندوق امانت است. به عبارت دیگر، تعهد اصلی بانک حفاظت از اشیاء درون صندوق است؛ لذا هر تعهدی غیر از «تعهد حفاظت»، اگر در تراضی دو طرف نقش مؤثری داشته باشد، فرع بر تعهد اصلی و حفاظت از اموال مشتری است (السنهوری، بی‌تا، ص ۳۶؛ ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶).

#### ۱-۱-۲. ودیعه بودن قرارداد صندوق امانت

گروه دیگری از حقوق‌دانان، با اینکه پذیرفته‌اند اجاره صندوق امانت با عقد ودیعه مرسوم تفاوت دارد، قرارداد را اجاره نمی‌دانند. برای توجیه این نظر گفته‌اند که برخلاف قواعد حاکم بر اجاره در این قرارداد مستأجر صندوق حق ندارد به دلخواه خود از آن استفاده کند بلکه باید با هماهنگی مسئول مربوطه داخل در محیط صندوق‌های امانی شود و با دو کلید در را باز نماید؛ درحالی‌که می‌دانیم در اثر عقد اجاره منافع ملک به مستأجر تعلق می‌یابد. از این پس دو مالک برای عین وجود دارد: مستأجر که مالک منفعت است و می‌تواند آن را به دیگری واگذار یا خود از آن استفاده کند و مالک عین بدون منفعت، که تنها در حدود مالکیت خود می‌تواند در آن تصرف کند، بدون اینکه به انتفاع مستأجر خللی برساند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۰). بنابراین، در مالکیت منفعت (موضوع عقد اجاره) همیشه شخصی غیر از مالک عین، حق بهره‌برداری انحصاری از مال را پیدا می‌کند و ذره‌های منفعت در ملک مستأجر به وجود می‌آید؛ پس چگونه می‌توان قرارداد مزبور را اجاره دانست، درحالی‌که مستأجر بدون حضور نماینده بانک نمی‌تواند در محل صندوق‌های امانت وارد شود و آن را باز نماید؟



از طرفی بانک تعهد حفاظت از صندوق را بر عهده گرفته است و مشتری به علت اطمینان‌خاطری که به بانک دارد، اموال خود را درون صندوق امانت بانک قرار می‌دهد و بانک را عهده‌دار نگهداری از آن اشیاء می‌داند. از طرف دیگر، در مفهوم ودیعه نوعی نیابت و تفویض اختیار نهفته است؛ زیرا به موجب آن برای نگهداری و حفاظت از مالی به دیگری نیابت داده می‌شود. قدر متیقن از نیابت در عرف و عادت نیز موردی است که مأذون در تصرف (مستودع) صرفاً به نفع اذن‌دهنده (مودع) تصرف کند؛ مانند تصرف امین در مال مورد ودیعه و تصرف وکیل در مال مورد تصرف. پس رعایت غبطه سپرده‌گذار نیز باعث می‌شود تا بانک که نقش سپرده‌گیر را دارد، در حفاظت از اشیای مشتری کوتاهی نکند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، صص ۷۳۱-۷۳۲).

در نهایت، هدف اصلی از انعقاد ودیعه سپردن مالی به دیگری برای نگهداری است. جوهر و مقتضای عقد در این خلاصه می‌شود که مالی به‌منظور «نگهداری» به دیگری سپرده شود و گیرنده آن را حفظ کند و با نخستین مطالبه به صاحبش برگرداند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۱). در قرارداد صندوق امانت نیز مهم‌ترین هدف طرفین از انعقاد قرارداد، حفاظت از اموال مشتری است. بانک نیز موظف است هر زمان که مشتری خواست، محتوای صندوق را به مشتری برگرداند. پس باید پذیرفت آنچه واقع شده است، به ودیعه شباهت و نزدیکی بیشتری دارد. ودیعه‌ای که مال مورد امانت به‌طور کامل در اختیار امین قرار نمی‌گیرد و در عین حال که مالک در آن تصرف می‌کند، امین نیز مأمور نگهداری از آن است؛ اختیار امین در حفظ مال ودعی، منافاتی با تصرف مالک در آن به‌منظور نگهداری یا غیر آن ندارد؛ زیرا خصوصیت نیابت در این است که مال به‌طور کامل از اختیار مالک خارج نمی‌شود و مقتضای تعریف ودیعه به «استنابة فی الحفظ» نیز همین است. مانند وضعی که اتومبیل در گاراژها و امانات ایداع‌شده در مهمانسراها دارد (Ripert et Boulanger, 1956, T. 3, N. 2289. Ripert et (Roblot, 1974-1976, T. 1, N. 2172).

#### ۱-۱-۱-۲-۱. رد نظریه عقد ودیعه

مخالفتان این نظریه سعی کرده‌اند با دو اشکال «ودیعه بودن» قرارداد صندوق امانت را رد کنند. به همین منظور، در رد استدلال موافقان، دو اشکال ماهیتی مطرح کرده‌اند:

#### ۱-۱-۱-۲-۱-۱. تسلیم مورد ودیعه شرط پیدایش عقد ودیعه

برخی از حقوق‌دانان معتقدند عبارت ماده ۶۰۷ قانون مدنی: «یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپرد»، ظهور در عینی بودن عقد ودیعه دارد؛ یعنی ودیعه از تاریخ تسلیم مال به امین منعقد می‌شود. بنابراین، سپردن و تسلیم مال شرط پیدایش ودیعه است. در واقع، تسلیم مادی یک شیء به سپرده‌گیر است که او را متوجه تعهدات خود از جهت نگهداری و پس دادن مال سپرده‌شده می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). این مهم به‌وضوح از ماده ۶۰۷ قانون مدنی قابل برداشت است؛ زیرا قانون مدنی از لفظ «سپردن» در تحقق ودیعه استفاده نموده است و بنابراین، الفاظ قانون‌گذار دلالت بر معنای ظاهر می‌کند، مادامی که برخلاف آن تصریح نشود. عقد ودیعه از عقود عینی به شمار می‌رود که در تحقق آن قبض به‌عنوان شرط صحت دخالت دارد.

در تأیید عینی بودن عقد ودیعه می‌توان به ماده ۱۹۱۸ قانون مدنی فرانسه<sup>۵</sup> و ماده ۶۸۸ قانون مدنی آلمان<sup>۶</sup> اشاره کرد که در این دو ماده بر منقول بودن موضوع عقد ودیعه تأکید کرده است. مفهوم عرفی ودیعه و آغاز تعهدات طرفین در برابر هم از تاریخ قبض نیز، شرط قبض در صحت عقد ودیعه را تأیید می‌کند؛ زیرا تا زمانی که مال مورد ودیعه به امین تسلیم نشده است، امین چیزی در اختیار ندارد تا ملتزم به نگهداری از آن باشد و امکان انجام خدمتی به‌منظور اداره مال مودع وجود ندارد تا او نیز متعهد به تأدیة مخارج آن شود. بنابراین، درحالی‌که ودیعه در زمره عقود عینی است، پس چرا بانک در مقام سپرده‌گیر، چیزی را به‌عنوان مورد ودیعه (سپرده) از مشتری قبول نمی‌کند؟ مگر نه این است که سپرده‌گذار چیزی را به‌عنوان سپرده به امین می‌دهد، پس او نیز باید به‌عنوان سپرده‌گیر مورد ودیعه را قبول و قبض نماید. ماده ۶۰۸ قانون مدنی که می‌گوید: «در ودیعه قبول امین لازم است، گرچه به فعل باشد» نیز مؤید همین مطلب است. درحالی‌که بانک تنها صندوق امانت را به قبض مشتری می‌دهد و خود

بانک از مشتری چیزی به عنوان سپرده قبول نمی‌کند. در جواب این اشکال گفته شده است که گاهی اتفاق می‌افتد که سپرده‌گیر اختیار واگذاری و سپردن مال ودیعه را بر عهده مودع می‌گذارد؛ مانند موردی که فردی کلید ماشین یا منزل خود را به دیگری می‌دهد تا اشیاء و اموال خود را برای مدتی در آنجا بگذارد. در این‌گونه موارد نیز هرچند مال ودیعه به قبض مستقیم سپرده‌گیر در نمی‌آید، اما عقد ودیعه منعقد شده تلقی می‌گردد و عرف از عملی که انجام شده است، چیزی غیر از ودیعه نمی‌فهمد. البته باید گفت در این‌گونه موارد عمل سپرده‌گیر به منزله قبض و در حکم آن است. چنان‌که در عقد رهن، قبض عرفی مال مرهون کافی برای وقوع رهن است و قبض مادی ضرورت ندارد. به بیان دیگر، استیلای معنوی مرتهن بر توقیف و فروش مال مرهون در دید عرف برای صحت عقد کافی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۱۰). در نتیجه قرارداد صندوق امانت نیز از جهت قبض مانند عقد رهن است؛ یعنی همین که بانک صندوق امانت را در اختیار مشتری قرار می‌دهد تا فرد اموال خود را در آن قرار دهد، قبض محقق می‌شود.

#### ۱-۱-۱-۲. امین باید مورد ودیعه را عیناً به مالک برگرداند

اشکال دوم از دو مقدمه تشکیل می‌شود: از طرفی امین باید مورد امانت را به مودع رد کند و نمی‌تواند اجرای تعهد خود را منوط به اثبات مالکیت او سازد. پس اگر بین مودع و شخص دیگری در مورد مالکیت مال ودیعه اختلاف باشد، امین باید آن را به مودع بدهد، مگر اینکه دادگاه ضمن قراری آن را نزد امین توقیف نماید. همچنین ممکن است برای جلوگیری از ضرر مالک و مسئولیت امین در برابر او، گفته شود که ابلاغ دادخواست ادعای ثالث به امین مجوز امتناع از رد ودیعه تا پایان دادرسی یا رأی دادگاه است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۶). باید افزود که از جمع مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ قانون مدنی چنین برمی‌آید که مودع از نوعی اماره مالکیت در برابر مستودع سود می‌برد؛ به این بیان که مودع مالک است و استحقاق گرفتن مورد ودیعه را دارد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود (Planiol et Ripert, 1954, T. 11, N. 1179).

از طرف دیگر، به موجب ماده ۶۱۹ قانون مدنی: «امین باید عین مالی را که دریافت کرده است، رد نماید»؛ زیرا مستودع هیچ حقی در مال مورد ودیعه پیدا نمی‌کند و باید آن را پس از انحلال عقد به مالک بازگرداند. بنابراین، امین حق ندارد حتی در صورتی که مال مورد امانت در زمره اموال مثلی است، آن را مصرف کند و مثل آن را تهیه و به مودع بدهد؛ برای مثال، اگر چند بسته اسکناس در صندوق امانت بانک به ودیعه نهاده شود، بانک نمی‌تواند پول را به جریان اقتصادی و مبادله گذارد و معادل آن را به امانت‌گذار بدهد. همچنین، تعهد مربوط به رد عین مال، تعهد به نتیجه است؛ یعنی تا زمانی که نتیجه مطلوب به دست نیامده است، نمی‌توان امین را از مسئولیت بری دانست. به همین دلیل نیز بر طبق قواعد عمومی آیین دادرسی، اثبات رد مال با امین است و ادعای او بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود (نجفی، ۱۳۶۰، ج ۲۷، ص ۱۴۷). با این دو مقدمه، اشکال از اینجا ناشی می‌شود که بانک به عنوان مستودع (امین) هرگز مالی را به عنوان سپرده از مشتری نمی‌گیرد تا بخواهد آن را به مالک برگرداند؛ به عبارت دیگر، هیچ قبض و اقباضی در قرارداد صندوق امانت صورت نمی‌پذیرد تا امین موظف باشد عین مورد ودیعه را تنها به مالک یا قائم‌مقام او برگرداند. شما که قرارداد صندوق امانت را ودیعه می‌دانید، یکی از ارکان ودیعه برگرداندن مورد ودیعه توسط امین (بانک) به مالک آن است. باین همه، چرا بانک اشیاء و اموال مودع را به او بر نمی‌گرداند؟ موافقان در جواب این اشکال گفته‌اند: آنچه مستودع در مقام رد مورد ودیعه وظیفه دارد، این است که امکان دستیابی مودع به مال ودیعه را فراهم کند؛ یعنی لازم نیست در مقام رد حتماً مورد ودیعه را به قبض مالک بدهد بلکه همین مقدار که استیلا و وسیله دسترسی مالک به مورد ودیعه را فراهم کند، به تکلیف رد ودیعه عمل نموده است (السنهوری، ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۸).

#### ۱-۱-۱-۲. رابطه حقوقی شرط اجرت در عقد ودیعه با «تعهد به نگهداری»

موافقان نظریه ودیعه بودن قرارداد صندوق امانت، پس از پاسخ ایرادات مخالفان می‌گویند: اگر قرار است اعتراضی هم بر ودیعه بودن قرارداد صندوق امانت، باشد اشکال اصلی اینجاست که ودیعه ذاتاً عقدی مجانی است. از طرفی، خدمتی که امین

نسبت به نگهداری از مال انجام می‌دهد، رایگان و پذیرش ودیعه بر پایه نیکوکاری است. سپرده‌گیر خدمتی به سپرده‌گزار می‌کند بی‌آنکه انتظار جبران آن را داشته باشد. از طرف دیگر، با گذشت زمان و به دلیل ظهور نیازهای اقتصادی رایگان بودن ودیعه دگرگون شده است. آزادی قراردادها و اراده طرفین، ودیعه را که در اصل رایگان بوده، به یک قرارداد معوض تبدیل کرده است. باین‌همه، شرط عوض (اجرت) با خدمت مربوط به نگهداری رابطه حقوقی پیدا نمی‌کند، در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد در نمی‌آید و جنبه فرعی دارد. در واقع، فرعی بودن تعهد به دادن عوض، مانع از این است که اجرت نیز هم‌سنگ تعهد به نگهداری و حفاظت از اموال شود و به‌عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر، موضوع قصد مشترک طرفین قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۱۶ و ۲۶).

اشکال تنها در قراردادهایی است که اولاً تعهد به نگهداری در آنها معوض است؛ یعنی مالک موظف است در برابر نگهداری و محافظت امین اجرتی به وی بپردازد؛ دوم، عقد ودیعه به یک قرارداد حرفه‌ای و نه یک عقد ودیعه ساده، تبدیل گشته است؛ یعنی ودیعه با اجرت به‌عنوان حرفه و تخصص سپرده‌گیر مورد پذیرش قرار می‌گیرد، در نتیجه، مالک اموال خود را به نهادی می‌سپارد که به تخصص و کارایی آن اعتماد کامل دارد و نسبت به حفاظت از اموال خود مطمئن است؛ مانند صندوق امانت بانک نسبت به نگهداری از اموال مشتری، یا پارکینگ‌های حرفه‌ای اتومبیل نسبت به ماشین‌هایی که در آن نگهداری می‌شود. بنابراین، ودیعه‌ای که ویژگی رایگان بودن خود را حفظ می‌کند، از این دسته از قراردادها خارج است. همچنین ودیعه‌ای که ویژگی سنتی داشته و تنها در نگهداری معمولی از اموال مالک خلاصه می‌شود، در این دسته از قراردادها راه ندارد. ویژگی اصلی این دسته از قراردادها در دو مطلب خلاصه می‌شود:

۱. از سویی، معوض بودن ویژگی اصلی این دسته از قراردادهاست، به طوری که شرط اجرت هم‌سنگ تعهد به حفاظت از مال است و در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد درمی‌آید. ودیعه‌ای که طبیعت رایگان بودن خود را از دست داده و به‌صورت عقدی معوض درمی‌آید. مانند انبارهای عمومی که در برابر خدماتی که به صاحبان کالا می‌دهند، صاحبان کالا متعهد به پرداخت هزینه انبارداری هستند.

۲. از سوی دیگر، نیازهای اقتصادی این قرارداد را به سوی حرفه‌ای شدن کشیده و سپرده‌گیر را در برابر دریافت عوض، متعهد به حفاظت ساخته است. در نتیجه عقد ودیعه به یک قرارداد کاملاً حرفه‌ای که «تعهد به حفاظت در برابر اجرت» مقتضای اصلی این قرارداد است، تبدیل شده است؛ به دلیل همین ویژگی‌ها نیز پاره‌ای از نویسندگان قراردادهای مربوط به صندوق امانت بانک‌ها و نگهداری اتومبیل در گاراژ و ایداع اشیاء در مهمانسراها را قرارداد ویژه‌ای به نام «عقد حفاظت» خوانده‌اند. بنابراین، چنین قراردادی را نمی‌توان ودیعه شمرد و احکام آن را بر آن بار کرد؛ زیرا هرچند وجود اجرت در این قرارداد مانع از آن نیست که قرارداد را ودیعه بدانیم، اصلی بودن تعهد به دادن عوض، شرط عوض را هم‌تراز با تعهد به نگهداری می‌کند. ودیعه‌ای که به این گونه با شرط عوض همراه می‌شود، طبیعت مجانی بودن خود را از دست می‌دهد و به صورت عقد معوض درمی‌آید. در حقوق فرانسه ودیعه با دستمزد را عقد دوجانبی می‌دانند، به این ترتیب که عوض در برابر تعهد به حفاظت قرار می‌گیرد و هرکدام علت دیگری می‌شود (Mazeud, 1995, T. 3, N. 1493. Ripert et Boulanger, ) (1956, T. 3, N. 2268).

#### ۱-۲-۱-۱-۲-۳. تفاوت قرارداد حفاظت و عقد اجاره

در مطلب قبل یادآور شدیم که اگر در عقد ودیعه شرط عوض، هم‌سنگ با تعهد به نگهداری قرار گیرد، دیگر عقد مذکور ودیعه نیست؛ زیرا ودیعه با شرط عوض نیز مجانی بودن طبیعت خود را حفظ می‌کند، مگر اینکه طرفین به صراحت بیان کنند که مقصودشان اجاره است. اکنون سؤال مهمی که به ذهن می‌رسد و نتیجه آن در روشن شدن ماهیت عقد حفاظت مؤثر است، این است که اساساً چه فرقی بین عقد حفاظت با اوصافی که برای آن بیان کردیم، با قرارداد اجاره وجود دارد؟ در عقد حفاظت وجود اجرت هم‌سنگ تعهد به نگهداری مال می‌شود و شرط عوض در زمره تعهدات اصلی عقد درمی‌آید. همچنین تعهد به حفاظت در آن چهره حرفه‌ای به خود می‌گیرد و به صورت تخصص متعهد جلوه می‌کند. از طرفی، در عقد اجاره نیز تملیک منافع در برابر عوض معین انجام می‌گیرد، یعنی مستأجر نیز مالی به ماجر می‌دهد یا تعهد

پرداخت آن را می‌کند. وجود عوض نیز از عناصر اصلی عقد اجاره است و به همین جهت توافق درباره بی‌عوض بودن اجاره، عقد را باطل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۱). از طرف دیگر، به موجب قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، هر نوع تعهدی را می‌توان در ضمن عقد اجاره بر موجر یا مستأجر شرط نمود؛ برای مثال، موجر تعهد می‌کند ملک دیگری را در کنار حرفه مستأجر به اجاره ندهد یا اینکه مستأجر تعهد می‌کند تا ضمان تلف مورد اجاره بر عهده او باشد. مسئولیت متصدیان حمل و نقل در نگهداری و حفاظت از اشیائی که به آنان سپرده می‌شود نیز از همین قبیل است. باین‌همه، آیا تفاوتی بین قرارداد حفاظت و عقد اجاره از جهت دو عنصر «تعهد به نگهداری» و «شرط عوض» می‌توان یافت؟ آیا این دو قرارداد با یکدیگر یکسان نبوده و احکام و آثار مشابهی با یکدیگر ندارند؟ مضاف بر اینکه نام‌گذاری این قرارداد به «عقد حفاظت» تکلیف قواعد حاکم بر قرارداد را معین نمی‌کند (Mazeaud, 1995, T. 3, N. 1507, Ripert et Boulanger, 1956, T. 3, N. 2285).

طبق این تحلیل، شرط هرگونه اجرتی در عقد ودیعه آن را به اجاره تبدیل نمی‌کند و بر روابط طرفین قواعد اجاره حکومت نمی‌کند بلکه آن شرطی موضوع ودیعه را تبدیل به عقد اجاره می‌کند که هم‌تراز و هم‌سنگ تعهد به نگهداری باشد و در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد درآید؛ چون در عقد حفاظت، شرط اجرت از حالت فرعی بودن تعهد به دادن عوض درآمده و در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد قرار گرفته است، بنابراین عقد حفاظت خصوصیت ودیعه بودن خود را از دست داده و به عقد اجاره تبدیل گشته است. قرارداد حفاظت به دو دلیل نمی‌تواند عقد ودیعه باشد:

اول، قرارداد حفاظت به یک عقد معوض تبدیل گشته است که در آن حفاظت از اموال مشتری در برابر عوض معین انجام می‌گیرد؛ یعنی سپرده‌گذار در قبال تعهد سپرده‌گیر، اجرت عمل وی را می‌دهد یا تعهد پرداخت آن را می‌کند. وجود عوض مانند حفاظت از مال، از عناصر اصلی عقد حفاظت است. در عقد اجاره نیز تملیک منافع در برابر عوض معین انجام می‌گیرد.

دوم، عقد حفاظت از شکل یک عقد ودیعه ساده بیرون آمده و به یک قرارداد حرفه‌ای و تخصصی تبدیل شده است. قراردادی که در آن حرفه متعهد نگهداری و

حفاظت از اموال مشتری است و در برابر این خدمت از مشتری اجرت دریافت می‌کند؛ مانند مسئولیت متصدی حمل و نقل که متعهد می‌شود با انجام مواظبت‌های لازم کالا را سالم به مقصد برساند. امروزه، قرارداد حمل و نقل تجاری به یک قرارداد حرفه‌ای تبدیل شده است؛ زیرا از طرفی حکم ماده ۳۸۶ قانون تجارت ناظر به موردی است که متصدی حمل و نقل، در برابر گرفتن اجرت حمل اشیاء یا اشخاص را بر عهده می‌گیرد. از طرف دیگر، قانون تجارت در این ماده از عرف متصدیان حمل و نقل و به‌ویژه از عرف بین‌المللی پیروی کرده است. با اینکه تعهد متصدی حمل و نقل ناشی از قرارداد و خواسته‌ی ضمنی طرفین است، با این حال، فرض تعهد را حقوق بر متصدی حمل و نقل تحمیل می‌کند؛ زیرا اگر او نیز نخواهد این تعهد به وجود می‌آید. مضاف بر اینکه ماده ۳۸۶ قانون تجارت بعد از ماده ۵۱۶ قانون مدنی و بر اثر نیازهای اقتصادی و پیشرفت تجاری و حرفه‌ای شدن این گونه مسئولیت‌ها تصویب شده است.

#### ۱-۱-۳. ترکیب عقد ودیعه و اجاره در قرارداد صندوق امانت

جمعی از نویسندگان نیز، قرارداد صندوق امانت را غیرمعین نامیده، آن را مخلوطی از اجاره و ودیعه می‌شمارند (رای مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۰ (دادگاه بدوی پاریس)؛ به نقل از: نشریه دالوز، ۱۹۰۲، ج ۲، ص ۲۸؛ السنهوری، بی‌تا، ص ۳۶؛ ۱۹۵۸، ج ۶، ص ۱۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴). به این ترتیب، در ابتدا مشتری بانک، صندوق امانت را به‌عنوان مال منقول اجاره می‌کند، سپس آن را نزد بانک به ودیعه می‌گذارد تا از آن محافظت کند. پس در ابتدا طرفین نسبت به واگذاری منفعت صندوق امانت توافق می‌کنند؛ یعنی مالک، منفعت صندوق امانت را تماماً به مستأجر تملیک می‌کند و در برابر آن از مشتری اجرت می‌گیرد. پس از آن مستأجر صندوق، آن را نزد موجر به ودیعه می‌سپارد تا از آن محافظت نماید. مانند ودیعه‌ای که ماده ۶۱۸ قانون مدنی آن را تجویز می‌کند. به موجب این ماده: «اگر مال ودیعه در جعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد، حق ندارد آن را باز کند و الا ضامن است». ممکن است اشکال شود که در عقد ودیعه مشتری، مالک صندوق نیست تا بتواند آن را نزد بانک به امانت بسپارد؛ زیرا به حکم ماده ۶۰۹ قانون مدنی: «کسی می‌تواند مالی را به ودیعه گذارد که



مالک یا قائم مقام مالک باشد و یا از طرف مالک صراحتاً یا ضمناً مجاز باشد». در جواب این اشکال می توان گفت: نخست، برای تحقق ودیعه لازم نیست که امانت گذار مالک مورد ودیعه باشد؛ درست است که به طور معمول مالک برای نگهداری مال خویش آن را به دیگری می سپارد، ولی هیچ منعی وجود ندارد که امین برای محافظت بیشتر از مالی که به او سپرده شده است، آن را به امانت گذارد یا اینکه دادگاه مال مورد نزاع را تا پایان دادرسی ایداع کند یا مستأجری عین مورد اجاره را به ودیعه گذارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۳؛ ۱۳۸۴، ص ۴۲۰). دوم، مشتری که صندوق امانت را ابتدا اجاره و سپس، به ودیعه می سپارد، هرکدام از صندوق و اشیای درون آن را جداگانه به قبض سپرده گیر (بانک) نمی دهد بلکه هر دو را به عنوان یک کل تجزیه ناپذیر موضوع قصد قرار می دهد. در هر صورت حکم ماده ۶۱۸ قانون مدنی، ناشی از خواست مفروض مودع است که از ظاهر رفتار او (بستن جعبه و پاکت و مهر کردن آن) استنباط می شود و قاعده ای تکمیلی است و طرفین می توانند برخلاف آن تراضی کنند و حتی امین مکلف به معاینه درون جعبه و پاکت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۱ و ۱۳۸۴، ص ۴۲۴).

#### ۱-۱-۱-۳-۱. تعیین قواعد حاکم در فرض ترکیب عقد ودیعه و اجاره

اکنون که قرارداد ترکیبی از عقد ودیعه و عقد اجاره دانسته شد، برای تعیین قواعد حاکم بر قرارداد صندوق امانت، قواعد کدام عقد حاکم است؟ به نظر می رسد در این مسئله باید به هدف اصلی طرفین و تعهد اساسی متصرف مال توجه نمود و آن را از اغراض و تعهدات تبعی و فرعی جدا کرد. به این ترتیب، در موردی که هدف اصلی طرفین نگهداری از مال است، عقد را باید ودیعه شمرد، هرچند که بانک خدمت دیگری (تملیک منافع صندوق امانت به موجب عقد اجاره) نیز انجام دهد. برعکس، در جایی که عقد به منظور تملیک منافع صندوق، در برابر اجرت معین واقع می شود، قواعد عقد اجاره حاکم است، هرچند که به عنوان لازمه انجام تعهد اصلی، نگهداری از مال نیز صورت پذیرد. پس در تعیین قواعد حاکم بر این رابطه، باید دید به کدام یک از دو

چهره عقد ارتباط بیشتری پیدا می‌کند (ابری و رو، ۱۹۵۱، ج ۶، ص ۱۶۷؛ پلونبول و ریبر، ۱۹۵۴، ج ۱۱، ص ۵۰۳؛ به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴).

#### ۱-۱-۱-۲. اجاره صندوق، مقدمه استفاده از ایمنی بانک در حفاظت از اموال

برخی اساتید حقوق این تحلیل (ترکیب عقد ودیعه با عقد اجاره) را منطقی و با مبانی حقوق ما سازگارتر می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴؛ ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۵)؛ زیرا به موجب این تحلیل، نه اجاره صندوق امانت را می‌توان نادیده گرفت، و نه از تعهد اضافی که بانک در حفاظت از آن بر عهده می‌گیرد، می‌توان گذشت. به تعبیر دیگر، مشتری ابتدا صندوق امانت را اجاره می‌کند، سپس آن را به بانک ودیعه می‌سپارد، اما هدف نهایی و مطلوب طرفین، استفاده از ایمنی بانک در حفاظت از صندوق امانت است؛ به این ترتیب، از دیدگاه طرفین اجاره صندوق امانت مقدمه استفاده از خدمات بانک در نگهداری اشیائی است که در صندوق نهاده می‌شود و نباید آن را تعهد فرعی و تبعی موجد در تأمین منافع مورد نظر پنداشت. به همین جهت نیز، بانک بر تصرفات مستأجر نظارت می‌کند و او را در این راه آزاد نمی‌بیند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴). حق حفاظتی که بانک می‌گیرد، نه تنها به‌عنوان اجاره صندوق قابل توجیه است، آمدن چنین شرطی در ودیعه نیز ماهیت آن را دگرگون نمی‌سازد. همچنین آگاه نبودن بانک از محتوای صندوق و امکان تصرف مستأجر در آن، مانع از اجرای قواعد امانت نیست؛ زیرا مستأجر صندوق را قطع نظر از چند و چون اشیای درون آن و به‌عنوان یک مجموعه و کل، به ودیعه می‌سپارد. به همین دلیل نیز اگر مستأجر ادعا کند که بخشی از آن اشیاء به سرقت رفته یا آسیب دیده است، باید وجود آن را در داخل صندوق اثبات کند. مانند چنین ودیعه را ماده ۶۱۸ قانون مدنی این چنین پیش‌بینی کرده است: «اگر مال ودیعه در جعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد، حق ندارد آن را باز کند والا ضامن است» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۲۴-۲۵).

### ۱-۱-۳-۱-۱. نقائص نظریه ترکیب عقد ودیعه و اجاره

به نظر می‌رسد این گفته که مشتری ابتدا صندوق امانت را اجاره می‌کند، سپس آن را به بانک ودیعه می‌سپارد، چندان مطابق با واقع نباشد؛ زیرا:

**اول**، هرچند مشتری صندوق امانت را اجاره می‌کند تا از خدمات بانک در نگهداری و حفاظت از اموال خویش استفاده کند، ولی اجاره صندوق، مستلزم این نیست تا مستأجر برای حفاظت از اموالش، آن‌ها را به بانک به ودیعه سپارد؛ زیرا در ضمن عقد اجاره نیز می‌توان شرط تعهد به حفاظت از اموال مشتری را بر موجد نمود و این تعهد را ناظر به نتیجه کار و نه فراهم آوردن اسباب و وسایل آن دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۴۱۴ و ۴۲۳؛ شهیدی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۰۸). پس اگر اموال مشتری سرقت شود یا تلف گردد یا در حادثه‌ای بسوزد، موجد به تعهد خود عمل نکرده و مقصر است، مگر اینکه خلاف آن را اثبات کند. شبیه وضعی که ماده ۳۸۶ قانون تجارت در مورد مسئولیت متصدیان حمل و نقل مقرر نموده است.<sup>۷</sup>

**دوم**، همین‌که بانک بر تصرفات مستأجر نظارت می‌کند و او را در این راه آزاد نمی‌بیند، دلیل بر اجاره بودن قرارداد صندوق امانت است؛ زیرا در عقد ودیعه نه تنها سپرده‌گیر بر اعمال و رفتار سپرده‌گذار نظارتی ندارد بلکه به حکم ماده ۶۱۲ قانون مدنی: «امین باید مال ودیعه را به طوری که مالک مقرر نموده حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین نشده باشد، به طوری که نسبت به آن مال متعارف است، حفظ کند...». حتی اگر مالک برای حفاظت از مال ودیعه ترتیبی مقرر نموده باشد و امین برای حفظ مال تغییر آن ترتیب را لازم بداند، در صورت نهی صریح مالک حق هیچ‌گونه تغییری را در ترتیب حفظ ودیعه ندارد. کما اینکه اگر مال ودیعه در جعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شود، حق ندارد آن را باز نماید (امامی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۶۵).

**سوم**، اینکه اجرتی که بانک بابت حفاظت و نگهداری از اموال مشتری می‌گیرد، نمی‌تواند دو عنوان داشته باشد؛ زیرا یا به عنوان مبلغ ثمن در عقد اجاره قابل توجیه است، چراکه در اجاره تملیک منافع در برابر عوض انجام می‌گیرد، یا بابت نگهداری و حفظ مال ودیعه به امین پرداخت می‌شود که «حق حفاظت» نام دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۳). بنابراین، در عقد اجاره شرط اجرت در زمره تعهدات اصلی

ناشی از عقد درمی‌آید و از ارکان اجاره محسوب می‌شود، به طوری که عدم تعیین اجاره یا توافق درباره بی‌عوض بودن آن عقد را باطل می‌کند. اما در عقد ودیعه تعیین عوض جنبه فرعی داشته و شرط اجرت، هم‌سنگ تعهد به نگهداری از مال نیست، لذا در نفوذ ودیعه مؤثر نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۱).

**چهارم**، اینکه آیا می‌توان زمانی که عقد را مرکب از ودیعه و اجاره می‌دانیم، برای تعیین قواعد حاکم بر قرارداد صندوق امانت، قواعد یکی از این دو عقد را بر آن تطبیق داد؟ آیا نباید در صورت ترکیب عقود، قواعد هر دو عقد را بر مورد مسئله تطبیق داد، فارغ از اینکه ببینیم به کدام یک از دو چهره عقد ارتباط پیدا می‌کند؟ پس از طرفی، در عقد مرکب قواعد و احکام هر یک از عقود به نحو اجتماع، پیاده شده و به تنهایی قابلیت اجرا ندارد. همچنین، اگر حکمی از ویژگی‌های خاص آن عقد باشد، به عقد مرکب تسری نخواهد یافت؛ چنانچه اگر «اجاره به شرط تملیک» را عقد مرکب بدانیم، ویژگی تملیک عین را از عقد بیع و تملیک منفعت را از عقد اجاره وام گرفته است، ولی احکام خاص بیع همچون خیار مجلس را به دنبال ندارد.

از طرف دیگر، عقد ودیعه و اجاره با یکدیگر هم‌پوشانی ندارند تا بتوان قواعد یکی را بر دیگری منطبق کرد. برخلاف عقد ودیعه و عاریه که قدر جامع بین این دو عقد، یعنی «اعطای نیابت و اذن و رایگان بودن» باعث می‌شود که بسیاری از احکام قانونی این دو عقد یکسان باشد. هرچند عدالت اقتضا دارد در تفسیر قواعد عاریه جانب مالک نگه داشته شود و در ودیعه رعایت حال امین مدنظر قرار گیرد.

#### ۱-۲. نظر مرجع درباره ماهیت قرارداد صندوق امانت

به نظر می‌رسد قرارداد صندوق امانت با عقد اجاره اشیاء سنخیت و توازن بیشتری دارد؛ زیرا از طرفی، محتوای صندوق امانت به بانک سپرده نمی‌شود، در اختیار مشتری است و او می‌تواند اشیای درون آن را به میل خود و بدون اینکه به آگاهی بانک برساند، کم و زیاد کند. پس نمی‌توان بانک را متعهد به حفاظت و رد مالی دانست که در اختیار ندارد و از چند و چون آن بی‌اطلاع می‌ماند. از طرف دیگر، قراردادی که نیابت برای حفظ مال مقصود اصلی طرفین است، و شرط اجرت نیز همسان با تعهد به نگهداری در زمره

تعهدات اصلی طرفین قرار دارد، ماهیتی جز «عقد اجاره» ندارد. در واقع، در این قرارداد، عقد به صورت اجاره مکانی امن و مطمئن واقع می‌شود و تعهد به حفاظت نیز جنبه اصلی این اجاره را دارد، به همین جهت، عقدی را که واقع شده است، باید اجاره صندوق امانت تلقی کرد و قواعد این عقد را حاکم بر روابط طرفین شمرد.

## ۲-۱. جمع‌بندی، تبیین راه حل حقوقی و پیشنهادات

### ۱-۲-۱. جمع‌بندی نظرهای مطرح شده درباره ماهیت قرارداد حفاظت

از بررسی ماهیت صندوق امانت بانک‌ها، نتایج زیر گفتنی است:

**اول**، بهترین ملاک تعیین ضابطه، در تشخیص نوع عقد شناسایی کسی است که وظیفه نگهداری و محافظت از اموال را بر عهده دارد؛ بنابراین، اگر معلوم شود نخست، متصدی بانک در قرارداد صندوق امانت، اموال و وسایل مشتریان را تحویل نگرفته و این اشیاء به آن‌ها سپرده نشده است، دوم، وظیفه‌ای در برگرداندن این وسایل به مشتریان ندارد، سوم، مسئولیتی در قبال حفظ و نگهداری از این اشیاء دارند و سپرده‌گذار با مسئولیت خویش اموال را به امانت سپرده است، قرارداد مزبور بدون تردید «عقد اجاره» است.

**دوم**، قرارداد حفاظت مصداقی از عقد ودیعه و توابع آن است؛ زیرا هدف اصلی در هر دو عقد این است که مالی به منظور نگهداری به دیگری سپرده شود و گیرنده آن را گرفته، حفظ کند و با نخستین مطالبه به صاحبش برگرداند. به همین جهت، اگر معلوم شود در قراردادی مقصود اصلی طرفین نگهداری از مال نیست، رابطه آن دو را نباید تابع قواعد مربوط به عقد ودیعه یا عقد حفاظت دانست؛ برای مثال، اگر در عقد اجاره بر مستأجر شرط شود که تلاش کافی و لازم را برای حفاظت و نگهداری از عین مستأجره نماید، نمی‌توان این قرارداد و شرط ضمن آن را مصداقی از عقد حفاظت دانست.

**سوم**، اگر معلوم شود قراردادی عنوان ودیعه دارد، قواعد ودیعه بر آن حکومت می‌کند و اگر مشخص شود قراردادی عنوان اجاره دارد، قواعد اجاره حاکم بر قرارداد است. اکنون اگر قرار باشد به قراردادی عنوان عقد حفاظت داده شود، احکام و قواعد

کدام عقد بر این عنوان بار می‌شود؟ به عبارت دیگر، اگر گفته شود قرارداد صندوق امانت، مصداق عقد حفاظت است، آیا این نام‌گذاری صرفاً برای روشن شدن دورنمای عقد حفاظت و برشمردن عناصر و ویژگی‌های این عقد است یا اینکه خواسته شود به واسطه جعل عنوان، احکام و آثار خاصی را بر این قرارداد بار کرد و آن را از دیگر قراردادهای بازشناخت؟ به نظر می‌رسد هرچند بتوان بر نوع خاصی از عقد ودیعه (ودیعه حرفه‌ای) نام «عقد حفاظت» گذاشت و ویژگی‌هایی نیز برای آن برشمرد، اما جعل عنوانی با این نام که بیانگر قواعد و احکام خاصی باشد، در قوانین موضوعه و رویه قضایی سابقه ندارد. نمی‌توان احکام عقد ودیعه یا عقد اجاره یا هر عقد معین دیگری را بر عقد حفاظت با ویژگی‌های خاص آن بار کرد و به آن عنوان دیگری داد. واقعیت این است که قوانین ما خالی از احکام قرارداد حرفه‌ای مانند عقد حفاظت است، هرچند تصور نیاز آن به وضوح روشن است.

#### ۲-۲-۱. تبیین قرارداد حفاظت در حقوق موضوعه

درباره اینکه آیا «عقد حفاظت» در حقوق موضوعه عنوان حقوقی دارد یا اینکه باید با توجه به قواعد عمومی قراردادهای تکلیف آن را روشن نمود، دو نکته قابل ملاحظه است:

اول، یک نوع قرارداد اجاره حرفه‌ای وجود دارد که در ماده ۳۸۶ قانون تجارت پیش‌بینی شده است. این ماده که در رابطه با مسئولیت متصدیان حمل و نقل است، ابتدا در سال ۱۳۰۷ شمسی، در ماده ۵۱۶ قانون مدنی مورد تصویب قرار گرفت. منتها، به دلیل تحول پیشرفت‌ها و نیازهای خاص تجاری این ماده پاسخگوی تعهدات متصدیان حمل و نقل به خصوص، در حوزه تجارت نبود؛ زیرا در این ماده متصدی در صورتی مسئول شناخته شده است که تعدی و تفریط نموده باشد و اثبات تقصیر نیز با مشتری این‌گونه بنگاه‌هاست؛ بنابراین، لازم بود تا با وضع مقررات دیگری این مسئولیت بر دوش صاحبان این‌گونه بنگاه‌ها افتد تا نتوانند به بهانه عدم امکان جلوگیری از حوادث ناگهانی و غیرمترقبه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. در واقع، مشتریانی که به این‌گونه مؤسسات رجوع می‌کنند، فرض را بر تخصص و تعهد این‌گونه بنگاه‌ها

در سالم رسانیدن اشیاء و اموال مسافر گذاشته و کار آن‌ها را حرفه‌ای تشخیص می‌دهند؛ یعنی این‌گونه مؤسسات از نوعی قرینه ظاهری درباره تخصص و حرفه تصدیگری بهره می‌برند و مشتریان نیز با تکیه بر این قرینه به این مؤسسات رجوع می‌کنند، لذا جا دارد که مسئول هر اتفاقی باشند که درباره مال‌التجاره می‌افتد. لذا کمیسیون قوانین عدلیه در تاریخ ۱۳۱۱/۲/۱۳ دست به تصویب لایحه قانون تجارت زد و در ماده ۳۸۶ قانون تجارت، مسئولیت اثبات تقصیر در قرارداد حمل و نقل را بر عهده متصدیان این امور گذاشت.<sup>۸</sup>

این ماده نوعی قانون‌گذاری درباره مسئولیت حرفه‌ای و تخصصی متصدیان حمل و نقل به شمار می‌رود. اما قلمرو تعهد ایمنی به متصدی حمل و نقل محدود نمی‌شود و با استفاده از مبنای قانون در این زمینه و عرف و نیازهای اجتماعی، می‌توان آن را در تعهد مربیان ورزشی و بیمارستان‌ها و مهدکودک‌ها و بسیاری از امور دیگر مانند بانک‌ها فرض نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۱).

**دوم،** اگر برای قرارداد حفاظت عنوان معین حقوقی پیدا نگردید و نتوان این قرارداد را با عقود معین قانون مدنی تطبیق داد، یا اینکه کسی اجاره بودن عقد حفاظت را نپذیرد و مدعی شود که این قرارداد در حقوق موضوعه نوظهور است و مانند عقد بیمه از عقود مستحدثه به حساب می‌آید، با توجه به اصل آزادی قراردادی می‌توان تکلیف این نوع قراردادها را روشن نمود. این اصل در حقوق ما به وسیله ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام شده است. به موجب این ماده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذ است». پس جز در مواردی که قانون منعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمان‌های ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان «اصل» پذیرفت. به موجب این اصل، اشخاص می‌توانند قرارداد را تحت هر عنوانی که مایل باشند، منعقد سازند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین سازند؛ بنابراین، با توجه به اصل حاکمیت اراده و اینکه قراردادی در قانون تحت عنوان «عقد حفاظت» با ویژگی‌های منحصر به فرد آن وجود ممکن است وجود نداشته باشد، می‌توان از ماده ۱۰ قانون مدنی برای نفوذ

چنین قراردادی با همین عنوان استفاده کرد و در توافق‌نامه دو طرف شرایط خاص این عقد را ذکر کرد و ماده ۱۰ قانون مدنی را حاکم بر این قرارداد برشمرد.

### ۱-۲-۳. پیشنهاد راه حل در حقوق موضوعه

پیشنهادی که برای این مسئله در حقوق موضوعه می‌توان داد، این است که از یک طرف، قانون‌گذار مانند کاری که در مورد ماده ۳۸۶ قانون تجارت کرده است، دست به تقنین مقررات مختلف راجع به حرفه‌ای شدن بعضی از مسئولیت‌ها و مشاغل بزند تا این نقیصه در قانون‌گذاری برطرف و موجب یکی شدن آرای محاکم و دادگاه‌های کشور شود؛ برای مثال، در مورد قرارداد حفاظت، نظری را که با دکترین و رویه قضایی شباهت و نزدیکی بیشتری دارد، به موجب قانون تصویب کند؛ برای مثال، عقد حفاظت را تابع مقررات عقد اجاره در حقوق مدنی بداند و احکام و قواعد اجاره را حاکم بر این قرارداد بشمارد. برای نمونه، در حال حاضر بین حقوق‌دانان و رویه قضایی دادگاه‌های فرانسه در مورد قراردادی که شهرداری با برخی افراد مبنی بر اختصاص جایی برای کسب درآمد (مانند میدین تره‌وبار) منعقد می‌کند، پنج نظر مختلف وجود دارد که آثار هرکدام با دیگری متفاوت است (السنهوری، بی‌تا، صص ۴۱-۴۲).

از طرف دیگر، محاکم و رویه قضایی با استفاده از مبنای قانون در این زمینه و عرف و نیازهای اجتماعی، مسئولیت متصدی حمل و نقل موضوع ماده ۳۸۶ قانون تجارت را به سایر قراردادها نیز سرایت دهند. در واقع، در این‌گونه موارد دادگاه‌ها فرض تعهد ضمنی متصدی مربوطه را قطعی بدانند تا دشواری تقصیر امین باعث نشود که زیان‌های ناشی از تقصیر او جبران‌نشده باقی بماند.<sup>۱۰</sup> قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۶ تیر ۱۳۸۷ گام دیگری در راه گسترش تعهد ایمنی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۳۲۶-۳۲۷).



### جمع‌بندی

درباره ماهیت عقد حفاظت، نظری که بیشتر با دکترین فرانسه و رویه قضایی این کشور، انطباق دارد، این است که عقد حفاظت همان «عقد اجاره» است؛ زیرا قراردادی که نیابت برای حفظ مال مقصود اصلی طرفین است، و شرط اجرت نیز همسان با تعهد به نگهداری در زمره تعهدات اصلی طرفین قرار دارد، ماهیتی جز «عقد اجاره» ندارد. به عبارت دیگر، در این قرارداد، نه اجاره محل معین و ایمن را می‌توان نادیده گرفت و نه از تعهد اصلی که سپرده‌گیر در قبال حفاظت از اموال بر عهده می‌گیرد، می‌توان گذشت. بنابراین، به نظر می‌رسد عقدی که با قرارداد حفاظت در حقوق فرانسه تطبیق می‌کند، عقد اجاره با این دو خصوصیت است: اول، سپرده‌گذار محلی را به عنوان «مکان امن و مطمئن» اجاره می‌کند، نه اینکه تنها مکان ساده‌ای را اجاره نماید. دوم، این عقد نوعی اجاره حرفه‌ای که ناشی از تخصص و حرفه سپرده‌گیر است، به حساب می‌آید.

اما در حقوق موضوعه می‌توان عقد حفاظت را قرارداد اجاره با شرط ضمن عقد یا ترکیبی از عقد اجاره اشیاء و اجاره اموال، با شروط مختلف مسئولیت تحلیل کرد. همچنین می‌توان با توجه به اصل آزادی قراردادی تکلیف این نوع قراردادها را روشن نمود؛ زیرا به موجب این اصل، اشخاص می‌توانند قراردادهای خویش را تحت هر عنوانی که مایل باشند، منعقد سازند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین سازند. بنابراین، با توجه به اصل حاکمیت اراده و اینکه در قانون قراردادی تحت عنوان «عقد حفاظت» با ویژگی‌های منحصر به فرد آن وجود ندارد، می‌توان از ماده ۱۰ قانون مدنی برای نفوذ چنین قراردادی با همین عنوان استفاده کرد و در قرارداد دو طرف شرایط خاص این عقد را ذکر کرد و ماده ۱۰ قانون مدنی را حاکم بر این قرارداد برشمرد. راه حلی که با مبانی و قواعد حقوق موضوعه مناسب‌تر و نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.

### یادداشت‌ها

---

۱. بر همین پایه دیوان تمیز فرانسه در رأی ۵ آوریل ۲۰۰۵، بر پایه حرفه‌ای شدن فعالیت‌های خدماتی، راه‌حلی را که در رأی ۱۰ فوریه ۱۹۸۱، در زمینه وکالت پذیرفته بود، به قرارداد ودیعه گسترش داده و مقرر کرده است: «با دستمزد بودن مفروض است، هنگامی که کسی

مال خود را به شخصی داده که حرفه متعارف او رسیدگی به امور دیگران است؛ اینترنت، عنوان «L'évolution-du-contrat-de-dépôt»، مقاله‌ای از: Marie-Hélène GUILLEMIN et Nicolas GRAS.

۲. مطابق ماده ۱ قانون تأسیس انبارهای عمومی: «انبار عمومی مؤسسه‌ای بازرگانی است که به منظور قبول امانت و نگهداری مواد اولیه و محصولات صنعتی و فلاحی و کالاهای صاحبان صنایع و کشاورزان و بازرگانان... تأسیس و بر طبق مقررات قوانین ایران به ثبت رسیده باشد؛ تصویب‌نامه شماره ۱۶۹۵۲ مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۴۰ مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۴۰.

### 3. Contrat de garde

۴. برای مشاهده موضوع رساله، عنوان و مشخصات کتاب رک.

[http://openlibrary.org/books/OL6490552M/Le\\_contrat\\_de\\_garde](http://openlibrary.org/books/OL6490552M/Le_contrat_de_garde)

۵. طبق ماده ۱۹۱۸ قانون مدنی فرانسه: «موضوع ودیعه تنها شامل اشیای منقول است».

۶. طبق ماده ۶۸۸ قانون مدنی آلمان: «ودیعه قراردادی است که بر پایه آن سپرده‌گیر تعهد می‌کند یک شیء منقول را که سپرده‌گذار به او سپرده است، نگهداری کند».

۷. در فقه نیز گروهی از نویسندگان اعتقاد دارند که ملاح ضامن تلف مالی است که به او سپرده شده است، خواه تعدی و تفریط کرده باشد یا نتوان تقصیری به او نسبت داد (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۷۷۴).

۸. در همین مورد، بند ۲ از ماده ۱۱۳ قانون دریایی مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۴۳، در مورد حمل و نقل مسافر تقصیر صاحب کشتی را به حکم قانون مفروض دانسته است.

### کتابنامه

آندره تنک، (۱۹۴۱م)، «عقد حفاظت»، پایان‌نامه دکتری، برای مشاهده جزئیات رساله، عنوان و موضوع کتاب در حقوق فرانسه، رک. آدرس لینک‌های زیر (آخرین مشاهده: ۱۳۹۱/۱/۳۱):

[http://openlibrary.org/books/OL6490552M/Le\\_contrat\\_de\\_garde](http://openlibrary.org/books/OL6490552M/Le_contrat_de_garde)

<http://www.worldcat.org/title/contrat-de-garde>

[/oclc/491283773&referer=brief\\_results](https://www.worldcat.org/oclc/491283773&referer=brief_results)

امامی، سید حسن (۱۳۸۴)، حقوق مدنی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، چ ۲۵.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، *وسیط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ ۱.

السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۵۸)، *الوسیط فی شرح القانون المدني (الایجار و العاریة)*، ج ۶، بیروت (لبنان): انتشارات دار احیاء التراث العربی.

همو (بی تا)، *عقد الایجار (ایجار الاشیاء)*، بیروت: انتشارات محمد الدایة.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، *آثار قراردادهای و تعهدات*، ج ۳، تهران: انتشارات مجد، چ ۲.  
قانون مدنی آلمان (بخش: معاملات، قراردادهای، کلیات و تعهدات)، (۱۳۸۷)، محمدعلی نوری، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ ۱.

قانون مدنی فرانسه (عقود و تعهدات قراردادی به طور کلی و الزامات بدون قرارداد)، (۱۳۸۰)، محمدعلی نوری، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ ۱.

قانون مدنی مصر (۱۳۸۸)، محمدعلی نوری، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ ۱.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*، تهران: انتشارات میزان، چ ۱۱.  
همو (۱۳۸۷)، *حقوق مدنی (دوره عقود معین)*، ج ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ ۱۰.

همو (۱۳۸۵- الف)، *حقوق مدنی (دوره عقود معین)*، ج ۴، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ ۵.

همو (۱۳۸۵- ب)، *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای)*، ج ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ ۷.

همو (۱۳۸۵- ج)، *حقوق مدنی (الزامهای خارج از قرارداد)*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۵.

کاشانی، سید محمد (۱۳۸۸)، *حقوق مدنی (قراردادهای ویژه)*، تهران: انتشارات میزان، چ ۱.  
ماری هلن (گیلمن) و نیکلا (گراس)، «تحول قرارداد سپرده بر پایه حرفه‌ای شدن» (آخرین مشاهده: ۱۳۹۱/۱/۳۱):

[http://www.monjuriste.com/droit-des-contrats/contrat-de-depot/evolution-du-contrat-de-depot.](http://www.monjuriste.com/droit-des-contrats/contrat-de-depot/evolution-du-contrat-de-depot)

مجموعه قانون تجارت (۱۳۸۹)، تدوین و تنقیح: فاطمه منتصر اسدی، تهیه و تنظیم: اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، تهران: انتشارات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چ ۲.

مجموعه قانون مدنی (۱۳۸۹)، تدوین و تنقیح: عباسعلی رحیمی اصفهانی، تهیه و تنظیم: اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، تهران: انتشارات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چ ۷.

نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن (۱۳۶۰)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۷، بیروت (لبنان): انتشارات دار احیاء التراث العربی.

*Code Civil* (édition 2011), Dalloz, Paris: Dalloz, 110<sup>e</sup> édition.

*L'évolution du Contrat de dépôt par la professionnalisation.*  
Article rédigé par Marie-Hélène GUILLEMIN et Nicolas GRAS.

Mazeaud, Henri, Léon et Jean (1995), *Leçons de Droit Civil*, Paris: Editions montchrestien, 7<sup>e</sup> éd, T. 3.

Planiol, Marcel; et Ripert, Georges (1954), *Traité pratique de Droit Civil Français*, Par René Savatier, Paris, T. 11.

Ripert, Georges; et Boulanger, Jean (1956), *Traité de Droit Civil d'après le traité de Planiol*, Paris: Librairie Generals de droit et de jurisprudence, T.3.

Ripert, Georges; et Roblot (1974-1976), *Traité élémentaire de Droit Commercial*, Paris: Librairie Generals de droit et de jurisprudence, 8e éd, T. 1.

Tanc, André (1941), *Le Contrat de garde*, Jouve: Précis Dalloz. Henry Solus; Université de Paris (1896-1968). Faculté de droit et des sciences économiques.

Tanc, André (1942), *Le Contrat de garde*, Paris: Précis Dalloz. location de coffres-forts, garage d'automobiles, magasins généraux garde de meubles, tapis, fourrures... etc. Préface de m. Henry Solus.